[آسان داک](http://www.asandoc.com/) (www.Asandoc.com)

در خصوص کسری بودجه برنامه های حق بازنشستگی مزایای تعریف شده چه باید کرد؟

کسری بودجه طرح های بازنشستگی با مزایای تعریف شده (DB) در سراسر دنیای غرب رایج است و ایرلند نیز از این امر مستثنی نیست. این مقاله کسری بودجه برنامه های DB را مورد بررسی قرار داده و روش های مختلف پوشش دادن این مساله را مورد بحث قرار می دهد. این مقاله به طور انتقادی برنامه های مختلف بیمه با پشتوانه دولتی را در شرکت سهامی تضمین مزایای بازنشستگی آمریکا (PBGC ) و صندوق ضمانت بازنشستگی بریتانیا (PPF) مورد بررسی قرار می دهد که بر اساس معرفی نرخ گذاری عوارض مبتنی بر ریسک است. مفسران، برخی از انواع برنامه های نوع دوم را در ایرلند پیشنهاد داده اند. این مقاله همچنین برنامه های دیگری را آزمون می کند که به درک پویایی های سطح کسری بودجه و نحوه تاکید و حل آنها کمک می کند. در نهایت ریسک های برنامه های DB را مورد مطالعه قرار می دهد و جزییاتی در خصوص تاثیر آن بر ساز و کارهایی که سطوح مختلف کسری بودجه را در ایرلند هدف قرار می دهد، بیان می کند.

خلاصه

کسری بودجه برنامه های حق بازنشستگی مزایای تعریف شده (DB) در سراسر دنیای غرب رایج است و ایرلند نیز از این امر مستثنا نیست. این مقاله کسری بودجه برنامه های DB را آزمون کرده و روشهای مختلف پوشش دادن این مساله را مورد بحث قرار می دهد. این مقاله به طور انتقادی برنامه های مختلف بیمه با پشتوانه دولتی را در شرکت سهامی تضمین مزایای حق بازنشستگی(PBGC ) آمریکا و بودجه حمایت از حق بازنشستگی UK (PPF)مورد بررسی قرار می دهد که بر اساس معرفی نرخ گذاری مبتنی بر ریسک است. گزارش دهندگان برخی از انواع برنامه های نوع دوم را در ایرلند پیشنهاد داده اند. این مقاله همچنین برنامه های دیگری را آزمون می کند که به درک پویایی های سطح کسری بودجه و نحوه تاکید بر آنها کمک می کند. در نهایت این امر موجب ریسک هایی در برنامه های DB می شود و جزییاتی در خصوص تاثیر معرفی این اقدامات بیان می کند که می تواند سطوح مختلف کسری بودجه را در ایرلند بیان کند.

1. مقدمه

کسری بودجه برنامه های بازنشستگی مزایای تعریف شده[[1]](#footnote-2) در سراسر دنیای غرب رایج است و ایرلند نیز از این امر مستثنا نیست. برنامه ها به طور میانگین 20 درصد کسری[[2]](#footnote-3) دارند. نتایج کسری بودجه موجب مطالبات و ورشکستگی[[3]](#footnote-4) های سنگینی می شود.[[4]](#footnote-5) کسری بودجه وجود دارد چون دارایی های بازنشستگی نمی تواند بدهی های[[5]](#footnote-6) بازنشستگی را پوشش دهد. این امر نشان می دهد که وعده های بازنشستگی که به اعضای برنامه ها داده شده است،نخواهد توانست خواسته های آنان را برآورده سازد و در شرایط وخیم تر ، هرگز چنین توانایی نخواهد داشت.

ما با ارائه جزییاتی از سطح کسری بودجه ایرلند از برنامه های مزایای تعریف شده ، کار را شروع می کنیم. سپس بر برخی دلایل کسری بودجه اشاره می کنیم. این امر هم موجب کاهش دارایی[[6]](#footnote-7) های بازنشستگی می شود و هم بدهی های بازنشستگی را افزایش می دهد. اصل این امر تخصیص دارایی از بودجه های ایرلند است ، در جاییکه ارزش گذاری سنگین حقوق صاحبان سهام [[7]](#footnote-8) ، موجب کاهش ارزش دارایی های بازنشستگی می شود چون بازارهای ریسک پذیر به صورت ضعیف عمل می کنند. شواهد کمی از افزایش سهم حامیان یا اعضای این برنامه وجود دارد که به اندازه کافی تاثیر منفی عملکرد سرمایه گذاری روی حقوق بازنشستگی ایرلند را نشان می دهد. ما همچنین اهمیت تغییرات طول عمر[[8]](#footnote-9)و تغییرات جمعیت شناختی[[9]](#footnote-10) را مستند می سازیم که موجب افزایش بدهی برنامه های بازنشستگی می شود. افراد بیشتر عمر می کنند، ولی در جاییکه کارکنان به سرعت به سمت بازنشستگی می روند و پیش بینی می شود این روند در طول زمان ادامه یابد، تغییر جمعیت شناختی وجود ندارد. بنابراین توانایی استفاده از کارکنان سهمی در بودجه بدهی های بازنشستگی پیش بینی شده دارد که بسیار باید مورد اهمیت قرار گیرد.

بنابراین ما چگونه می توانیم این مساله را حل کنیم. اولین احتمال آن است که هیچ کاری انجام ندهیم که پیش بینی آن را نکرده ایم. در حوزه بین المللی این امر برای دولت بسیار رایج شده است که از برنامه های بیمه ای حمایت کند که راهکاری برای بهبود و پشتیبانی از برنامه های مزایای تعریف شده هستند.[[10]](#footnote-11) این مقاله انتقادی به این برنامه هاست. ما نمایشی منطقی از هزینه های مرتبط با این نوع از مداخلات دولتی داریم. هدف این برنامه ها، تاکید بر طراحی ضعیف و ناکافی از قراردادهای بازنشستگی و فقدان تنوع کافی این برنامه هاست و ادعا می شود که این امر بیشتر در جایی دیده می شود که دولت نقش مداخله ای دارد. با این حال، مهم است تا یادآوری شود که ریسک های دیگری نیز برای این برنامه ها وجود دارد که قابل توجه است همچون انتخاب معکوس[[11]](#footnote-12) و ریسک های سیستماتیک و ریسک سیاسی. ما این ریسک ها بحث کرده و مستند می کنیم که چگونه می توانند روی برنامه های مختلفی که در سطح بین المللی معرفی شده اند، تاثیر گذارند و برای این امر بر شرکت سهامی تضمین مزایای بازنشستگی آمریکا[[12]](#footnote-13)(PBGC) و بودجه حمایتی بازنشستگی انگلیس[[13]](#footnote-14)(PPF) تمرکز می کنیم.

ما جزییات هر کدام از رویکردها را بیان می کنیم و سعی می کنیم تا ریسک های انان را بررسی کنیم. این امر شامل 1) تعیین محدودیتهای مزایای بازنشستگی 2) پشتیبانی از تخصیص[[14]](#footnote-15) دارایی های احتیاطی ، 3) استفاده از ریسک های قیمت گذاری برای حق بیمه[[15]](#footnote-16) بازنشستگی ، 4) استفاده از بودجه های استاندارد 5) ارائه نیرویهای کافی و مستقل برای بدنه حمایتی و 6) ایجاد حق تصرف[[16]](#footnote-17) روی دارایی های حامی می شود. هسته این مشکلات برای برنامه های بازنشستگی مزایای تعریف شده ، سطح آنها در کسری بودجه و استفاده از ریسک هایی است که مبتنی بر قیمت گذاری حق بیمه بازنشستگی است و نیازمند یک راهکار اساسی است. بدنه ادبیات و مکانیزم های واقعی نشان می دهند که چگونه باید با پیچیدگی های مرتبط با قیمت گذاری این برنامه ها به درستی برخورد کرد. پیام اصلی آن است که وضع نرخ گذاری [[17]](#footnote-18) باید مرتبط با سطوح برنامه های بازنشستگی از کسری بودجه باشد که سطح بالاتری از حق بیمه را می طلبد.

برنامه این مقاله به شکل زیر است. بخش دو جزییاتی از بودجه بندی[[18]](#footnote-19) برنامه های بازنشستگی مزایای تعریف شده ایرلند را نشان می دهد. در بخش 3، ما توجهی منطقی به برنامه های بیمه ای حمایت شده از طرف دولت و ریسک های مرتبط با آن خواهیم داشت. این امر در بخش 4 ادامه می یابد و روشهای کاهش ریسک این برنامه ها بررسی شده و برنامه های فعلی در سطح بین المللی بحث می شوند. در بخش پنج، ما به نتیجه گیری می پردازیم.

1. دنیا با برنامه های بازنشستگی مزایای تعریف شده ایرلند، روبروست

حق بازنشستگی های مزایای تعریف شده، شامل دارایی ها و بدهی های بازنشستگی می شود. (برای جزییات بیشتر در خصوص پویایی این برنامه ها به ضمیمه 1 مراجعه کنید). دارایی ها و بدهی های بازنشستگی در ایرلند بسیار مهم هستند و روی بسیاری از افرادی که عضو این برنامه ها هستند تاثیر می گذارند(مراجعه به جدول 1). سطوح مختلفی از کنترل برای محرک های مختلف از اهمیت دارایی ها و بدهی های بازنشستگی وجود دارد. برای دارایی های بازنشستگی ما فرض می کنیم که روی همه سطوح مشارکت و عملکرد سرمایه گذاری دارایی ها، کنترلی مشخص داریم. با این حال، در برابر ما فرض می کنیم که کنترل کمی روی ریسک های بلند مدتی داریم که مدت زمان پرداخت های مرتبط با افراد بازنشسته را افزایش می دهند. همانطور که در این مقاله نشان می دهیم ما بر این نظریم که چگونه می توانیم بر برخی از این محرک های آمیخته دارایی و بدهی بازنشستگی تاثیر گذاریم و چگونه این موارد تاثیر مثبتی روی سطوح بودجه بندی دارد.

جدول 1 اینجا اضافه شود

1. کسری بودجه حق بازنشستگی ایرلند

سطح کسری بودجه در طول زمان تغییر کرده است و در سالهای اخیر بالا رفته است. اگرچه در هزاره دوم و در سالهای اخیر این امر به شدت بهبود یافته است . درصد سطوح بودجه بندی سالیانه کشورهای OECD ، به طور سنتی در اشکالی همچون شکل 1 نشان داده می شود. بودجه بندی برنامه های DB از زمان شروع بحران های مالی به طور قابل توجهی بدتر شده است. برای کسری بودجه ایرلند ، این امر از 8.1 درصد به 19 درصد در سال 2008 افزایش یافته است و در سال 2009 به 19.4 درصد رسیده است.

این سطوح بالا از کسری بودجه مرتبط با درجه بالایی از متغیر بودن است این موضوع بیشتر متاثر از ارزیابی عملکرد بازار بخصوص حقوق صاحبان سهام[[19]](#footnote-20) است. به یاد داشته باشید که سطوح بودجه در دسترس برای آتیه کارکنان ایرلندی بدون شک در سطح بدترین کشورهای OECD است ، و عملکرد بخصوص در مقایسه با انگلیس بسیار ضعیف است .

شکل 1 در اینجا وارد شود

در حالیکه سطوح کسری بودجه مرتبط با منابع مختلفی است، دشوار است تا کسری بودجه را علارغم این منابع ناپدید کرد. با داده های بدست امده توسط مرسر[[20]](#footnote-21) ما به این نتیجه رسیده ایم که کسری بودجه در برنامه های DB ایرلند که در شکل 2 نشان داده شده است، بسیار رایج است. از آگوست 2011 ، کسری بودجه بیش از 4000 میلیون یورو در تمامی برنامه ها بوده است که موجب بیش از 20 درصد تاخیرها در دارایی ها وبدهی ها شده است. یکی از ویژگی های اصلی، تغییر پذیری سطوح کسری بودجه است. در این خصوص داده های کشورها در شکل OECD نشان می دهد که باید توجه کرد که تغییرات زیادی روی بودجه بازنشستگی تعریف شده در طول زمان بوجود امده است. بسیاری از این تغییرات بدلیل عملکرد دارایی بازنشستگی و وزن بالای انها در تساوی است.

شکل دو در اینجا وارد شود

اولین نتیجه که باید بگیریم این است که کسری بودجه برنامه های بازنشستگی رایج است و نشان دهنده مساله مهمی برای تصمیم گیران و بخصوص حامیان آتی است (مراجعه به مولونی و ویلان 2009، برای تحلیل بحران های مالی و اقتصادی قبلی). تعداد اعضای موجود در طرح های مزایای تعریف شده بسیار زیاد و مازاد بر 0.5 میلیون نفر بوده است (مراحعه به جدول 1). این اعداد در طول زمان باقی مانده است و همپایان کسور تعریف شده [[21]](#footnote-22) نیز تقریبا دوبرابر شده است .در کل کشورهایی که برنامه های مزایای تعریف شده داشتند ، تمایل داشتند تا کارفرمایان بزرگ با شرکت های نیمه دولتی باشند. به یاد داشته باشید که فقدان سرمایه کافی برای بازنشستگی در ایرلند فقط مساله حق بازنشستگی مزایای تعریف شده نیست.

در حالیکه این مقاله اساسا مرتبط با کسری بودجه برنامه های DB است ، چندین مساله بودجه بندی در میان انواع برنامه ها وجود دارد، همچون برنامه های کسور تعریف شده[[22]](#footnote-23).

برای نشان دادن، مرسر (2011) برخی اطلاعات روی برنامه های کسور تعریف شده و تخصیص دارایی دارد. یکی از محرک های اصلی بودجه بندی ناکافی در برنامه های حق بازنشستگی، سطح سرمایه گذاری دارایی حق بازنشستگی، در بازارهای حقوق صاحبان سهام[[23]](#footnote-24) است. مرسر گزارش می دهد که حقوق صاحبان سهام در مقایسه با مزایای تعریف شده تخصیص بالاتری در برنامه های کسور تعریف شده (در کنار حقوق صاحبان سهام خارجی و داخلی که 80 درصد بیش از تخصیص دارایی ها مهم است) دارد . در اینجا ما می بینیم که یکی از عناصر بسته EU/IMF این بود که از صندوق ذخیره حق بازنشستگی ملی[[24]](#footnote-25) استفاده کنند که سرمایه گذاری در این بسته بیشتر از سمت دولت ایرلند بود. اگرچه هدف اولیه این صندوق، پوشش دادن هزینه های حق بازنشستگی خدمات عمومی تا 2025 است و هیچ پولی از صندوق، قبل از آن زمان پرداخت نمی شود، شرایط اقتصادی نمی گذارد تا این تعهدات حق بازنشستگی آتی در زمان موعدش براورده شود.

2. پویایی های جمعیتی و طول عمر

دلایل مختلفی برای سطوح کسری بودجه وجود دارد که هم دارایی ها و هم بدهی های حق بازنششتگی را در بر می گیرد. در ضمیمه 1 ، روی مدل حق بازنشستگی صحبت می کنیم که بیانگر جزییات روابط میان دارایی ها و بدهی های حق بازنشستگی است. برخی چون طول عمر برای حامعه مثبت است (اکثر ما می خواهیم که بیشتر زندگی کنیم) ولی پیامدهای جدی برای الزامات بودجه بندی بازنشستگی آتی دارد. حقیقت ان است که طولانی تر زندگی کردن ما، تاکید بر تغییر جمعیت شناختی است که در ان رشد جمعیت کاهش می یابد. این نتایج در نمونه کوچکی از کارکنان بدست امد که می توانستند سهمی در بازنشستگی شان داشته باشند. این زمان انفجار جمعیت شناختی به طور بین المللی در شکل 3 نشان داده شده است. در اینجا نرخ جمعیت کاری به جمعیت بازنشسته به شدت کاهش یافته است و در سالهای اتی این روند بیشتر نیز می شود. در ژاپن، این نرخ از 10 به 1 در سال 1950 به 3 به 1 در اواسط هزاره دوم تبدیل شده است و انتظار می رود که 1.20 به 1 در اواخر 2050 شود. علارغم هر مساله دیگری که روی حق بازنشستگی تاثیر می گذارد ، موانع جدی نیز روی بودجه بندی حق بازنشستگی وجود دارد. این کاهش پیش بینی شده در نرخ کاری/بازنشستگی به طور منطقی در مناطق جغرافیایی مختلف مشابه است.

شکل 3 در اینجا وارد شود

با توجه به اداره مرکزی آمار[[25]](#footnote-26) که هرم جمعیتی را نشان می دهد ، زمان انفجار جمعیتی[[26]](#footnote-27) در شکل 4 نشان داده شده است. بر اساس امار بدست آمده در سال 2006، و پیش بینی ها برای 2041 ، نسبت نیروی کاری به بازنشسته به شدت در این بازه زمانی کاهش خواهد یافت، برای مثال نرخ 6.2 به 2.13 برای مردان و همین کاهش برای زنان مشاهده می شود. یادآوری می شود که این نرخ ها، کمک های مالی بزرگ به نیروی کار را در بر نمی گیرد که هنوز به سن بازار کاری نرسیده اند ، چون هنوز در مراحل اموزشی هستند. بار نیروی کاری بیشتر می شوند وقتی که در نظر بگیریم که همه نیروهای کاری فعلی در دسترس استخدام نمی شوند، ولی همچنان نیازمند پرداخت های بازنشستگی هستند و کل جمعیت بازنشسته را در بر می گیرند. ویژگی های جمعیت شناختی چالش های جدی برای توسعه سیاست های حق بازنشستگی پایدار در بر دارد، علارغم اینکه نقاط ضعفی نیز در این سیستم وجود دارد.

شکل 4 در اینجا وارد شود

**عملکرد و تخصیص دارایی حق بازنشستگی**

در ادامه ما به عملکرد دارایی حق بازنشستگی ایرلند باز می گردیم. در کل سطح دارایی ها در مدیریت حق بازنشستگی شغلی ایرلند بسیار زیاد و مازاد بر 75 میلیار یورو است که در جدول 1 نشان داده شده است. به یاد داشته باشید که تقریبا دو سوم از این میزان روی برنامه های مزایای تعریف شده سرمایه گذاری شده است. تاثیر عملکرد ضعیف سرمایه گذاری به طور مشخصی از 71.9 میلیارد یورو در سال 2006 به کمتر از 50 میلیارد یورو در انتهای 2010 کاهش یافته است. متاسفانه ضعف هایی در این امیخته بدهی دارایی وجود دارد که عملکرد حق بازنشستگی را مورد تاکید قرار می دهد. با نگاهی به عملکرد دارایی های بودجه حق بازنشستگی ، می توان کاهش عمیقی را در میان اسناد سال 2007/2008 به طور بین المللی مشاهده کرد.این امر به خودی خود منجر به افزایش زیاد در سطح کسری بودجه می شود. با این حال، ایرلند یکی از بدترین اقتصادهای عملکردی را در بازگشت دارایی های حق بازنشستگی دارد. نگاهی کوتاه بر بازگشت های سرمایه گذاری اعضای OECD در شکل 5 نشان داده شده است و این امر تصور تاسف باری از سطح عملکرد برای بودجه های ایرلند است که در حوزه های بین المللی بکار گرفته می شود. ما شواهدی داریم که چرا سرمایه گذاری های ایرلند به نسبت همپایان OECD شان بسیار بدتر است. اول اینکه تخصیص دارایی های سنگین به دارایی های ایرلند و عملکرد اقتصادی در طول زمان بسیار ضعیف بوده است. با این حال ، فقدان عدم رضایت بین المللی دلیل اصلی کاهش ده برابری دارایی های حق بازنشستگی ایرلند بوده است.

شکل 5 در اینجا وارد شود.

مساله اصلی برای بودجه های حق بازنشستگی ایرلندی ان بود که تخصیص دارایی سنگینی روی حقوق صاحبان سهام و بازارهای حقوق صاحبان سهام به طور نامناسب در سال های 2007/2008 انجام شده است. مهم است تا یادآوری شود که آمار تخصیص دارایی ها به نسبت منابع دیگر (و نه سایر مسائلی که باید مد نظر قرار گیرد) همواره Square up نمی شود . با این حال نشانه های مشابهی وجود دارد و مشخص است که سرمایه گذاری حقوق صاحبان سهام در ایرلند بسیار بالا بوده است. برای مثال، هیات حق بازنشستگی ایرلند[[27]](#footnote-28) پیشنهاد می کند که 54 درصد از دارایی ها در حقوق صاحبان سهام است در حالیکه OECD 72 درصد تخصیص در سال 2009 را گزارش داده بود

مطابق با شرایط بین المللی، این تخصیص به حقوق صاحبان سهام ها از حالت عادی بسیار منحرف شده است. برای نشان دادن، مرسر (2011) گزارش می دهد که ایرلند شکوفایی بالایی در سرمایه گذاری روی حقوق صاحبان سهام در مقایسه با استراتژی های تخصیص دارایی اقتصادهای اروپایی دارد. حتی اگر بخواهیم برآوردهای مختلفی از تخصیص دارایی روی منابع مختلف داشته باشیم، مشخص است که بودجه های حق بازنشستگی ایرلند شکوفایی بسیار زیادی روی دارایی های ریسک پذیر همچون حقوق صاحبان سهام داشته است. در مقابل دارایی های اوراق درامدی ثابت که ایمن فرض می شوند[[28]](#footnote-29) ، بسیار مورد استفاده قرار گرفته اند. با ترکیب عملکرد ضعیف حقوق صاحبان سهام بخصوص حقوق صاحبان سهام ایرلندی (بازارحقوق صاحبان سهام ایرلند تا 66 درصد در سال 2008 افول داشت) و آمیخته تخصیص دارایی ها از حقوق صاحبان سهام ایرلندی ، جای تعجب نیست که دارایی های حق بازنشستگی کاهش و کسری بودجه در این زمان بالا رفته باشد.

بسیار دشوار است تا این تخصیص های دارایی ها و فرهنگی که محرک این وزن دهی هاست تغییر کرده باشد. با این حال، الزام اصلی وجود دارد که باید از نوسانات[[29]](#footnote-30) در بازارهای دارایی ها جلوگیری کرد. همچنین دشوار است تا تحصیص جغرافیایی را تغییر داد، چون با توجه به تنوع ، حیاتی است که این فرایند را شروع کنیم.

عنصر دیگر دارایی های حق بازنشستگی ،سطح مشارکت حامیان شرکتی و کارکنان است. برخی شواهد فعلی در جدول 1 نشان داده شده است. با توجه به فشارهای اقتصادی که روی شرکت هاست، جای تعجب نیست که سهم کارفرمایان در ارزش پولی از 2006 واقعا افزایش یافته است. در حالیکه این امر به خوبی به کسری بودجه خوشامد می گوید، مشخص نیست که این امر در سالهای اتی نیز افزایش یابد یا خیر. بعلاوه مشخص نیز نیست که این سهم فزاینده اندازه کافی داشته باشد تا کسری های کلانی که در برنامه های مزایای تعریف شده ایرلند وجود دارد را حذف کرد.

1. منطقی برای برنامه های بیمه حمایتی دولتی

ما هم اکنون به بحث مان در خصوص مطلوبیت معرفی برنامه های بیمه حمایتی دولتی می پردازیم. ما همچنین شواهد بسیاری در خصوص این برنامه ها به صورت بین المللی داریم و ریسک های مرتبط با هر کدام از این تعریف ها را بیان می کنیم:

3.1. بحث های مرتبط با برنامه های بیمه حمایتی دولتی

ما با دو سرفصل ، طراحی ضعیف و ناقص قراردادهای حق بازنشستگی، و فقدان تنوع، این موضوع را مورد بحث قرار می دهیم:

1. طراحی ضعیف و ناقص از قراردادهای حق بازنشستگی

در ابتدا برنامه های بیمه تضمین دولتی[[30]](#footnote-31)به عنوان پاسخی برای برخی اشکال ضعیف در قراردادهای حق بازنشستگی معرفی شدند. در اینجا تخصیص غیر کارامدی میان منابع وجود داشت.حق بازنشستگی مزایای تعریف شده بخشی از مزایا و شرایطی از قرار داد استخدامی است که با توجه به حقوق پرداخت شده مشخص می شود. آنها قرار دادهای ضمنی میان شرکت ها و کارکنان هستند. چون کارکنان از حقوق و درامد فعلی برای اینده صرف نظر می کنند، ما از هم اکنون فرض می کنیم که درآمد آتی پرداخت خواهد شد. با این حال، این امر اتفاق نمی افتد اگر یک حامی شرکت بودجه کافی برای برنامه های حق بازنشستگی نداشته باشد و یا از پرداخت بدهی باز بماند[[31]](#footnote-32). این مباحثات وجود دارد که بدون مداخلات بیرونی، هیچ مشوق واقعی برای حامیان شرکتی وجود ندارد که اطمینان دهد که برنامه های اعضا به طور کامل بودجه بندی شده است. با کسری بودجه برنامه هایی که کارکنان سالهای طولانی پول ان را به شرکت ها پرداخت کرده اند، نمی توان مطمئن بود که در زمان و مکانی در آینده، پرداختی وجود داشته باشد. برای کارکنان، که اطلاعات کافی و درک از کابردهای قراردادی شان ندارد، این شرایط تغییر کرده است. انها همچنین از این موضوع رنج می برند که با انها همچون قرض دهندگان بیرونی رفتار می شود. بنابراین هیچ امنیتی وجود ندارد که حق کامل بازنشستگی شان را دریافت کنند. اگر بازارها به خوبی کار کنند و کارکنان اطلاعات کاملی داشته باشند دیگر با ارائه دهندگان این حقوق همراهی نمی کنند و این امر آنان را به سمت ورشکستگی و یا برنامه های با کسری بودجه سوق می دهد. متاسفانه کارکنان از طراحی ضعیف و مداخلات دولتی که باید مورد تاکید قرار گیرد، متاثر می شوند

کارکنان اتی، نزدیک بینی[[32]](#footnote-33) به دیدگاه های حق بازنشستگی دارند و این قابل درک است. چندین عصنر برای طرح های بازنشستگی وجود دارد که دارای برنامه های پیچیده هستند. برای مثال دشوار است تا محاسباتی را درک کرد که همه شرایط و موقعیت ها را در بر می گیرد. میشل (1987) به این نتیجه رسید که اطلاعات ناقص و گم شده در حق بازنشستگی ها بسیار گسترده بود. بنابراین کیفیت این اطلاعات که کارکنان روی برنامه های حق بازنشستگی دارند به طور قابل توجهی می تواند بسیار ضعیف باشد و یا به طور متوسط و یا بسیار خوب باشد. اطلاعات نامتقارنی میان حامی شرکت و اعضای برنامه وجود دارد و این امر منجر به تصمیم گیری غیر بهینه ای می شود که کارکنان می بایست در خصوص برنامه های نامناسب بگیرند و در آن ثبت نام کنند[[33]](#footnote-34). هدف برنامه های بیمه تضمین دولتی ، ارائه برخی پشتیبانی ها در برابر فقدان اطلاعات و یا اطلاعات ناقصی است که کارکنان در ارتباط با حق بازنشستگی شان دارند

1. فقدان تنوع

دومین بحث در خصوص فقدان در برنامه های حق بازنشستگی کارکنان است. در اینجا کارکنان درامد فعلی و آتی شان را از یک منبع دریافت می کنند و می تواند برای انها دشوار باشد تا ریسک های انان را شناسایی کنند.[[34]](#footnote-35) یاداوری می شود که اغلب این برنامه ها اجباری است بنابراین تنوع برنامه هیچ معنی نمی تواند داشته باشد. سهم کارکنان در برنامه های سلامت مالی شرکت و سلامت مالی حق بازنشستگی مشخص می شود. متاسفانه این عوامل بهم مرتبط هستند. شرکت هایی که پتانسیل بالایی برای عدم پرداخت دیون دارند، بیشتر احتمال دارد که کسری بودجه در برنامه های حق بازنشستگی داشته باشند. اگر شرکتی نتواند دیونش را پرداخت کند، کارکنان فعلی هم از بابت حقوق و هم از بابت از دست دادن حق بازنشستگی متاثر می شوند. کارکنان قبلی نیز حق بازنشستگی شان را از دست می دهند. مساله حق بازنشستگی برای کارکنان شرکت هایی ورشکست شده اند موجب ریسک های سیستماتیک در این برنامه ها می شود(به McCarthy and Neuberger, 2005 مراجعه کنید). انها یاداوری کرده اند که این ادعاها زمانی افزایش می یابد که شرکت ها به سمت عدم پرداخت دیون می روند و واقعا با سطحی از کسری بودجه مواجه می شوند. در جاییکه بودجه های حق بازنشستگی زیر فشار های سنگین حقوق صاحبان سهام است، کسری بودجه بدترین شکل افول در بازارهای حقوق صاحبان سهام است که قویا روی ورشکستگی و عدم پرداخت دیون[[35]](#footnote-36) شرکت تاثیر می گذارد.

یاداوری می شود که این مساله تنوع برای مطالبات مرتبط با ترکیب تعهدات برنامه های حق بازنشستگی است که همچون بیمه ها عمل می کنند. بیمه به بهترین شکل در جایی کار می کند که ریسک هایی که پوشش می دهد برای بیمه شده، خاص و یا موقعیتی است . برای مثال ریسک هایی که مرتبط با ادعا کننده نیست. این امر بدین خاطر است که ریسک های خاص می توانند بررسی شده و کتاب بیمه ای متنوع شود. وقتی قرار باشد ریسک ها همانند هم باشند، بیمه خوب عمل نمی کند این یعنی وقتی که همه مطالبات همانند هم است: در چنین شرایطی مزایای کمی برای تنوع وجود دارد.

فقدان تنوع منجر می شود که یک بیمه روی مطالبات به خوبی عمل نکند و این امر نقش برنامه های بیمه تضمین دولتی را افزایش می دهد

3.2. ریسک های برنامه های بیمه حمایتی دولتی

اگرچه ضعف های طراحی قراردادی و فقدان تنوع می تواند با معرفی برنامه های دولتی حمایت شود، مهم است تا هزینه های مرتبط با این برنامه ها شناسایی شوند. تعدادی ریسک های مرتبط با برنامه های بیمه حمایت شده دولتی[[36]](#footnote-37) وجود دارد که قابل توجه هستند. این برنامه ها نشان دهنده تضمین هایی هستند نه وعده ها. پیامدهای این امر شامل معرفی انتخاب معکوس، خطرات اخلاقی، ریسک های سیستماتیک و ریسک های سیاسی در برنامه های بیمه حق بازنشستگی می شود. بگذارید این امر را به جزییات توضیح دهیم.

1. انتخاب معکوس

برنامه های بیمه حمایتی دولتی شامل حق بیمه هایی می شوند که برخی موارد مورد توافق را پوشش می دهد. برای برنامه های بیمه ای بخش خصوصی ، این امر نشان دهنده پوشش دادن وعده هاست، ولی این برنامه ها تضمینی برای برنامه های با پشتوانه دولتی[[37]](#footnote-38) هستند. برنامه های با پشتوانه دولتی معمولا شامل پوشش اجباری می شود که همه شرکت ها و همه اعضای انها را در بر می گیرد. در چنین برنامه هایی، دشوار است تا حق بیمه متناسبی گرفت که تمامی ابعاد بیمه ای را بتواند پوشش دهد. این امر منجر به قیمت گذاری نامناسب بخصوص در جایی می شود که طرفین حق بیمه نسبی احتمال ورشکستگی ، سطح بودجه بندی و یا سایر سیاست های سرمایه گذاری مرتبط شان را نمی پردازند. در اینجا برخی طرفین از دادن کمک هزینه به طرفین دیگر امتناع می کنند و این امر اینگونه بیان می شود که پوشش دادن همه ریسک های ورشکستگی و عدم پرداخت دیون امکان پذیر نیست[[38]](#footnote-39). این یک مساله انتخاب معکوس است.

انتخاب معکوس یک ریسک قدیمی بیمه ای است: فقط آنهایی که احتمالا از عهده بیمه بر می آیند و بیمه کنندگان تلاش میکنند تا خودشان را از افزایش قیمت بیمه ای همه کارکنان، نجات دهند. با توجه به سطوح بودجه بندی برنامه های مزایای تعریف شده در ایرلند ، این امر ممکن است به سختی قابل پیاده سازی باشد چون قیمت بیمه ممکن است بسیار مانع شرکت ها شود. میزان و تاثیر انتخاب معکوس بر پیچیدگی معرفی هر برنامه بیمه ای دیگر می افزاید ،ولی همچون همه اشکال بیمه ای ، این امر شامل عناصر یارانه های متقاطع[[39]](#footnote-40) در برنامه های قوی می شود که به کمک این یارانه ها می توان ضعف برنامه ها را پوشش داد.

اگر این یارانه های متقاطع بسیار بالا باشد، شرکت های قوی به سمت این برنامه ها کشیده می شوند تا از پرداخت حق بیمه اجتناب کنند. (مشوق برای برنامه های ضعیف ان است که برنامه های متضاد و یا باقی مانده را انجام داد ). روش قدیمی برای انجام این کار برای شرکت قوی ، بستن برنامه های مزایای تعریف شده و تغییر انها به برنامه های کسور تعریف شده است که در برنامه های بیمه ای بدان اشاره نمی شود. این امر یک مساله واقعی است چون هیچ الزامی وجود ندارد که کارکنان به خوبی روی برنامه های حق بازنشستگی مزایای تعریف شده کار کنند. حتی قبل از تفکر در خصوص معرفی برنامه های تضمین دولتی در ایرلند، و حق بیمه مرتبطی که مورد نیاز بود، شواهد نشان می داد که شرکت ها برنامه های مزایای تعریف شده شان را بسته و به سمت برنامه های کسور تعریف شده رفته اند. برای مثال، Green Paper on Pensions بیان می کند(دولت ایرلند 2007) که نرخ برنامه های مزایای تعریف شده به برنامه های کسور تعریف شده به شدت کاهش یافته است یعنی از 4.5 به 1 در 1996 به 2 به 1 در سال 2006. بعلاوه IAPF (2010) برنامه های کسور تعریف شده ای را شناسایی می کند که اکثر افراد برنامه های مزایای تعریف شده را بسته و به سمت ان رفته اند(72 درصد در کل). اگر شرکت ها بتواند برنامه های بیمه ای را ترک کنند، سایر شرکت های قوی را نیز تشویق می کنند که این درخواست را دنبال کنند که حق بیمه موجود در دسترس بهبود یابد و شرکت های ضعیف تر حمایت شوند. خروج شرکت های قوی ، جریان کلی بیمه را کاهش می دهد چون فقط حامیان ضعیف مالی در این برنامه ها باقی می مانند. پشتیبان این برنامه ها، یعنی دولت همچنان در قلمرو نجات باقی می ماند. بنابراین هر برنامه بیمه ای، باید مانع از این شود که شرکت های قوی مالی برنامه هایش را ترک کنند[[40]](#footnote-41).

1. خطرات اخلاقی

ریسک قدیمی دیگری که مرتبط با بیمه است، خطر اخلاقی ان است و در اینجا برنامه های بیمه ای همه مشوق هایی را پوشش می دهند که ریسک های سرمایه گذاری را در بر دارد. برخی روشها خطرات اخلاقی در بر دارد که روی برنامه های بیمه دولتی تاثیر می گذارد. برای مثال، وقتی دولت ضمانتی به شرکتی می دهد که تعهدات بیمه حق بازنشستگی اش را پرداخت کند، این شرکت استراتژی سرمایه گذاری اولیه اش را تغییر می دهد و به سمت روش های ریسک پذیر تر میرود. این علاقه شرکت است که ریسک پذیری اش را افزایش دهد، ولی همچنان از پتانسیل های این ریسک پذیری نیز می تواند سود برد. به طور خاص، اگر بودجه ریزی بر اساس ریسک پذیری باشد، شرکت می توان بخش پایین را پوشش دهد ولی همچنان باید انتظار ارزش های بودجه ای بالاتر را از بالا داشته باشد و ارزش بودجه ای بالاتر بدان معنی است که این شرکت می تواند انتظار داشته باشد که پس از پرداخت سالیانه بازنشستگی ، مازاد بیشتری بدست می آورد. بنابراین ایجاد یک برنامه بیمه ای منجر به خطرات اخلاقی می شود که تخصیص دارایی های حق بازنشستگی را در سرمایه گذاری در شرایط نوسانی را افزایش می دهد. همانطور که دیده می شود، تخصیص حقوق صاحبان سهام، منبع اصلی کسری بودجه مزایای تعریف شده در ایرلند است. بنابراین خطرات اخلاقی می توانند بیشتر شوند تا اینکه مسائل بودجه بندی که در حق بازنشستگی ایرلند وجود دارد را کاهش دهند.

کسی ممکن است بر این باور باشد که این نوع از خطرات اخلاقی می تواند در ایرلند نادیده گرفته شود. همانطور که در ایرلند دیده می شود ، انحرافات زیادی در سرمایه گذاری در دارایی های ریسک پذیر وجود دارد. با توجه به اینکه، بودجه های حق بازنشستگی، قبل از معرفی برنامه های بیمه حق بازنشستگی با پشتوانه دولتی ، سرمایه گذاری بالایی روی دارایی های ریسک پذیر دارند، سخت است تا مشاهده شود که سطح ریسک پذیری ممکن است افزایش یابد. بنابراین معرفی یک برنامه ممکن است موجب ارائه فرصتی شود که به کاهش ریسک پذیری کمک می کند. یک احتمال ان است که سقف حداکثری برای اعتبار حقوق صاحبان سهامی در بودجه سرمایه گذاری مشخص شود. این امر به کاهش زیان های گسترده کمک می کند که سطح بالایی از کسری بودجه موجود را پوشش می دهد.

با این حال، باید احتیاط کرد. حقیقت ان است که بودجه های حق بازنشستگی ایرلند روی دارایی های ریسک پذیری همچون حقوق صاحبان سهام و املاک چندان مشخص نیست. دشوار است تا فرهنگ تخصیص دارایی ها در بین صنایع و برای شرکت های حامی را تغییر داد که برنامه های مزایای تعریف شده ای را حمایت می کنند. در خصوص معرفی یک برنامه بیمه ای، ما بر جهت گیری مدیریت در خصوص انتخاب بودجه سرمایه گذاری تاکید می کنیم. با توجه به مشوق هایی برای افزایش ریسک پذیری در معرفی برنامه های بیمه ای ممکن است مدیریت از جهت گیری های مختلفی برای این کار استفاده کند. برای برنامه های دولتی دشوار است تا روی استراتژی های سرمایه گذاری بودجه ای نظارت داشت که مانع از افزایش تخصیص سرمایه ها به حقوق صاحبان سهام و همانند ان می شود. بنابراین، خطرات اخلاقی وجود دارد که نمی توان بدتر شدن شرایط بودجه بندی و سرمایه گذاری را کنترل کند.

خطر اخلاقی ممکن است به شکل های دیگری نیز ایجاد شود. سایر مثال ها از رفتارهای غیر مسوولانه ، سخت بودن حمایت از یک برنامه که در جای مناسب ارائه شود، نیز می تواند از همین نمونه ها باشد. این ضمانت مشوقی برای شرکت هایی است که از نظر مالی ضعیف هستند تا مزایای حق بازنشستگی به نسبت افزایش درآمدها، افزایش یابد، چون افزایش دستمزد باید سریعا پرداخت شود ، ولی مزایای حق بازنشستگی ممکن است در نهایت توسط دولت پرداخت شود، البته با فرض اینکه ورشکستگی یا عدم پرداختی بوجود آید. وقتی که شرکتها از افشاگری های آتی اطلاع دارند، این بازی ممکن است باعث شود تا به سمت عدم پرداخت دیون حرکت کنند، حتی با وجود اینکه برنامه های بیمه ای شان مزایای حق بازنشستگی را پوشش می دهد. بعلاوه، شرکتها می توانند نقش دیگری داشته باشند همچون اینکه چگونه از یارانه هایشان استفاده و به تعهدات حق بازنشستگی شان عمل کنند. یارانه ها می توانند مشابه با آیتم های ترازنامه باشند بنابراین شرکت ها می توانند آنها را از حالت اجباری دراورند و در صورت کسری بودجه آن را به حالت برنامه های اصافی ارائه کنند.

یادآوری می شود که سطح بودجه یا کسری بودجه ، بسیار وابسته به فرضیات مالی است که مرتبط با دارایی ها و بدهی های حق بازنشستگی است. برای مثال، بسیار ساده است که نرخ تخفیف مورد استفاده در ارزش فعلی بدهی ها را افزایش و سپس کسری بودجه را کاهش داد. شرکت ها می توانند از کارشناس بیمه روی برنامه ها استفاده کنند، بنابراین نرخ تخفیفی برای حق بیمه ریسک حقوق صاحبان سهام خواهند داشت نه اینکه از هر نرخی برای تعیین ریسک شان استفاده کنند. این امر به شرکت ها کمک می کند تا سهم شان در برنامه ها را کاهش دهند

1. ریسک سیستماتیک

بیمه ، پایه و اساسی است که می تواند مانع از ریسک های مختلف شود. توانایی هر برنامه بیمه ای حق بازنشستگی به پوشش دادن هزینه ها، وابسته به سطح ارتباط میان ریسک هایی است که باید مانع از ان شد. افزایش ارتباط ، موجب کاهش اثرات تنوع می شود و ریسک کلی مرتبط با برنامه های بیمه ای را افزایش می دهد.

وقتی ریسک سیستماتیک باشد، فرصتهای تنوع طلبی کمتری وجود دارد. متاسفانه عملکرد ضعیف بازار حقوق صاحبان سهام و سطح مرتبط با کسری بودجه حق بازنشستگی، بسیار مرتبط با عدم پرداخت دیون توسط شرکت هاست. راهکار مرتبط با این ریسک های مرتبط نیز مشخص است. همانطور که در نمونه ایرلند و سایر کشورها دیدیم، بودجه های حق بازنشستگی فشارهای سنگینی روی حقوق صاحبان سهام وارد می کند که کسری بودجه را به شدت در بازار سهام بدتر می کند و وقتی شرکتی نمی تواند بدهی هایش را پرداخت کند به اوج می رسد و تاثیر دوبرابری روی بازارهای حقوق صاحبان سهام می گذارد. یک راهکار برای ممانعت از این سطح از کسری بودجه بخصوص در زمان مطالبات بالا، الزامات سهمی بالاتر است تا وقتی سلامتی کمتری وجود دارد، این سهم کمتر می شود. عملکرد این سطوح کاهش یافته از دارایی های حق بازنشستگی بسیار ضعیف است، بخصوص اگر این تخصیص به سمت بازارهای حقوق صاحبان سهام باشد که موجب سطحی از کسری بودجه می شود[[41]](#footnote-42). بعلاوه این ریسک ها به شدت مرتبط با پویایی های اقتصاد کلان است که در بحران های اقتصادی اخیر شاهد آن بودیم. این امر برای همه دشوار است تا به سمت برنامه هایی بیایند که از بودجه بندی کافی ان اطمینان ندارند. برای مثال، دولت ایرلند از جنبه های مختلفی و با منابع کاهش یافته به مسائل مالی می پردازد.

برای نشان دادن ریسک های سیستماتیک برای حق بازنشستگی انگلیس، مک کارتی و نوبرکر (2005) نشان می دهند که ریسک های مرتبط با عدم پرداخت دیون شرکت های حامی دوره ای است و بدلیل عملکرد ضعیف بازارهای حقوق صاحبان سهام است. این چرخه ها به طور مثبتی به روش سیستماتیک مرتبط می شوند. بنابراین مطالعات زمانی افزایش می یابد که شرکت ها نمی توانند دیونشان را پرداخت کنند و میزان مطالبه به سطح کسری بودجه نیز بستگی پیدا می کند. چون بودجه های حق بازنشستگی حقوق صاحبان سهام سنگینی را تحمیل می کنند، کسری بودجه بدتر می شود و وقتی که شرکت ها نمی توانند دیونشان را پرداخت کنند، به اوج خود می رسد و بنابراین تاثیر دوبرابر روی بازار حقوق صاحبان سهام دارد. بودجه های حق بازنشستگی همچنین بخش درونی تری از ساختارهای سرمایه شرکتی هستند و ممکن است که این ریسک های سیستماتیک در ادامه افزایش یابد و مرتبط با بودجه های حق بازنشستگی شرکتهایی باشد که ورشکسته اند و یا نمی توانند دیون خود را پرداخت کنند.

اگرچه به سختی می توان نشان داد که ریسک های سیستماتیک در حوزه تصمیم گیری مهم هستند یعنی جاییکه نیاز به تعریف برنامه های بیمه مزایای تعریف شده دولتی است. در اینجا درخواست این است که به جلو رفتن، ریسک سیستماتیکی است که موجب می شود تا برنامه های بیمه بخش خصوصی در شرایط غیر ممکن تجاری قرار گیرند و بعلاوه ضرورت برنامه های دولتی را نیز نداشته باشند. ریسک های سیستماتیک به طور بالقوه بسیار زیاد هستند و نمی توانند بر اساس حق بیمه ای عمل کنند که شرکت های بیمه بخش خصوصی آن را تغییر داده اند. بحث در اینجا نیاز دولت به شفافیت و اطمینان دادن به این است که این برنامه ها می توانند به تعهداتشان عمل کنند یا خیر. در شکل های بسیاری ، این بحث در خصوص آن است که اقتصاد بازاری چقدر خوب عمل می کند. اگر شرکتهای بیمه در بازارها به گونه ای عمل کنند تا محصولات مالی را ارائه دهند که مصونیت کافی از ریسک های مرتبط با برنامه های حق بازنشستگی را داشته باشند، نیاز کمی به مداخلات دولتی خواهد بود. با این حال، اگر بازار به طور کافی محیط مالی مرتبط نداشته باشد، دولت باید آن را ایجاد کند. این امر به این سوال پاسخ نمی دهد که آیا دولت می تواند نرخ های منطقی روی بیمه ارائه دهد یا خیر و اگر می تواند، آیا مالیات پردازان مشتاق به این بودجه بندی هستند یا خیر. ولی بدون مداخلات دولتی در برنامه های مزایای تعریف شده، نمی توان روبروی این ریسک های سیستماتیک ایستاد.

هر برنامه ای (فارغ از آنکه آیا خصوصی است یا پشتوانه دولتی دارد)تلاش می کند تا از برنامه های مزایای تعریف شده در برابر عملکرد استراتژی سرمایه گذاری(بخصوص در بازارهایی حقوق صاحبان سهام با نوسانات بیشتر) و عملکرد شرکت حامی[[42]](#footnote-43) حمایت کند. حق بیمه نرخ گذاری [[43]](#footnote-44)پیچیده ای (و به طور بالقوه اجباری) است که از احتمال عدم پرداخت هزینه حق بازنشستگی توسط شرکت حامی جلوگیری می کند. در مقابل، اگر این نتایج غیر مرتبط باشند، سپس آنها می توانند موجب کاهش ریسک کلی شوند و اینگونه است که برنامه های بیمه، در کل، موفق کار می کنند. بنابراین ، ریسک برنامه های مالی و قیمت های وابسته به آن، از افزایش این ریسک جلوگیری می کنند. اگر سایر شرکت ها تصمیم به همبستگی بگیرند و هیچ مانعی جلوی آنان نباشد، سپس ریسک کلی و قیمت کلی این ریسک می تواند افزایش یابد.

1. ریسک های سیاسی

یک ریسک نهایی که باید مد نظر قرار گیرد ، ریسک مرتبط با منابع سیاسی است . این ریسک اغلب مرتبط با معرفی برنامه های بیمه حق بازنشستگی دولتی در سایر کشورهاست. برای مثال در آمریکا، معرفی PBGC در دهه 70 موجب پشتیبانی از صنایع بالغ[[44]](#footnote-45) شد، در حالیکه PPF اخیرا برنامه ای را ارائه کرده است که ناشی از کسری بودجه در مقیاس بالاست که منجر به عملکرد ضعیف بازارهای حقوق صاحبان سهام می شود و ورشکستگی بسیاری از حامیان این برنامه را به دنبال داشته است. استورات (2007) علارغم انحرافات بازاری که ممکن است بوجود آید، در خصوص حمایت از مداخلات سیاسی بحث می کند. در اینجا، اگر کسری بودجه ساختاری تر باشد چون نوسانات بازارهای مالی بیشتر است، نیاز به برنامه های با پشتوانه دولتی در آینده بیشتر می شود.

از سوی دیگر، ریسک های سیاسی می تواند روی توانایی برنامه های بیمه ای تاثیر گذارد تا بتواند ریسک های مربوطه، خطرات اخلاقی و انتخاب معکوس را به دقت مد نظر داشته باشد. خطر اخلاقی را در نظر بگیرید. ممکن است که شرکت هایی که از نظر مالی ضعیف هستند فشار بیشتری روی سیاسیون در قانون گذاری وارد کنند تا کاهش حق بیمه ای که مد نظرشان است وارد مطبوعات شود. بعلاوه، دولت ممکن است سهم مورد نیاز در برنامه های حق بازنشستگی را در زمان های خوب اقتصادی محدود کند و از کاهش های مکرر در بازارهای حقوق صاحبان سهام جلوگیری کند. برای نشان دادن این امر، میشاییل گوردون، یکی از معماران اصلی قانون گذاری حق بازنشستگی ERISA بر PBGC تاکید می کنند که دقت برنامه، عملا قربانی این نکته بررسی شده بود که باید حمایت سیاسی از محتوای قانون به عمل می آمد. این نوع از ریسک های سیاسی به سختی قابل اجتناب هستند چون تاثیر زیادی روی برنامه های بیمه دولتی دارند.

1. روشهای کاهش ریسک برنامه های بیمه حق بازنشستگی دولتی

هم اکنون که ما مجموعه ای از ریسکهای مرتبط با مقدمه و عملیات برنامه بیمه حق بازنشستگی دولتی را شناسایی کردیم به دنبال روشهایی برای کاهش ان هستیم. برخی از اصول و اقدامات ممکن است استفاده شوند تا روی شایستگی های مرتبط انها صحبت شود.

1. قرار دادن محدودیتهایی روی مزایا

ریسک کلیدی ان است که باید خطرات اخلاقی کاهش یابد و محدودیتهای روی مزایایی اعمال شود که میتواند به انجام این کار کمک کند. مزایای خاص باید در کنار هم پوشش داده شوند. برای مثال، برنامه حق بازنشستگی Sicherungs-Verein auf Gegenseitigkeit (PSVaG) در آلمان امکان بهبود مزایا به شرکت ها را تا دو سال پس از ورشکستگی نمی دهد. سایر شرکت ها می توانند بهبود هایی برای افزایش حقوق و درامدهایشان اعمال کنند، بنابراین این امر مانع از پرداخت های اجباری دولتی می شود. انصراف از حق بازنشستگی نیز مثال مشابهی است که می تواند در خصوص مدیران شرکت ها صادق باشد. حداکثر پرداختی باید در نظر گرفته شود تا اطمینان حاصل شود که سقف و میزانی وجود دارد که تا آن سقف، دولت می تواند پرداخت داشته باشد و این امر از بودجه پرداخت کنندگان مالیات تامین می شود. چندین برنامه در این سقف ممکن است وجود داشته باشد و ویژگی های خاصی داشته باشند که ضرورتا مطلوب هم نیست. برای مثال، برنامه شرکتی ضمانت مزایای حق بازنشستگی (PBGC)[[45]](#footnote-46) در آمریکا و انگلیس بر اساس PPF است ولی چند محدودیت مشخص دارد. آمریکا میزان 54 هزار دلار برای این سقف در سال 2010 تعیین کرده است، در حالیکه انگلیس 90 درصد از مزایایش را تا حد 29,897.42 یورو در 2011 برای کارکنان فعلی پرداخت کرده است.این سقف ها هیچ ارتباطی با دارایی ها یا بدهی های حق بازنشستگی ندارند. مساله اصلی به یادآوردن آن است که مزایای حق بازنشستگی باید مرتبط با بدهی های حق بازنشستگی باشند که به طور نزدیکی در راستای دارایی های حق بازنشستگی هستند.

1. تخصیص محتاطانه دارایی ها

همانطور که در مورد ایرلند بیان شد، وزن دهی سنگینی به حقوق صاحبان سهام و سایر دارایی های ریسک پذیری در استراتژیهای تخصیص دارایی های بودجه حق بازنشستگی وجود دارد که در اکثر کشورها بکار برده می شود. اگر چه ایرلند بسیار با دارایی های ایمن فاصله دارد، انتقاد کلی بسیاری از کشورها در خصوص بودجه حق بازنشستگی آن است که وزن بسیار بالایی به حقوق صاحبان سهام و دارایی های مرتبط داده می شود . بنابراین ایرلند باید کارزیادی انجام دهد تا استراتژی های سرمایه گذاری داشته باشد که از چرخش بودجه در سطوح بالا اجتناب شود. محدود کردن این تخصیص دارایی ها به حقوق صاحبان سهام و سایر دارایی های ریسک پذیر ضروری است. این امر کمک می کند تا مطالبات بالقوه با توجه به فراوانی و اهمیت محدود شود. این امر همچنین بیمه حق بازنشستگی را بسیار مقرون به صرفه تر از آنچه در ابتدا معرفی شده بود، می کند.

بعلاوه بودجه های حق بازنشستگی باید بر اساس انطباق داراییها و بدهی ها عمل کنند. بدهی های حق بیمه ای معمولا تورمی هستند و بنابراین دارایی ها باید مرتبط با تورم باشند. سرمایه گذاری نباید به دنبال حق بیمه حقوق صاحبان سهام باشد، بلکه باید دارایی باشد که باتوجه به تورم رشد می کند. بنابراین تخصیص باید به سمت اوراق درامدی ثابتی چون اوراق بهادار [[46]](#footnote-47) باشد نه اینکه دارایی هایی که قیمتشان با توجه به تورم تعیین می شود. برای تشویق به تغییر در تخصیص دارایی ها، حق بیمه های بالاتری می توانند برای استراتژی های سرمایه گذاری ریسک پذیر انتخاب شوند. بعلاوه، مزایایی که ارائه می شود می تواند مرتبط با استراتژی تخصیص سرمایه گذاری باشد که در ان سقفی برای پرداخت حق بازنشستگی وجود دارد که اگر ریسک تخصیص بالا رود ، این سقف کاهش می یابد.

تخصیص دارایی های هر برنامه حق بازنشستگی دولتی باید مد نظر قرار گیرد. برای مثال هم PPF و هم PBGC استراتژی های سرمایه گذاری محافظه کارانه ای روی بودجه های حق بازنشستگی دارند که تمرکز شدید بر نقدینگی و اوراق بهادار دارد(PPF تقریبا 70 درصد اوراق بهادار و نقدینگی و PBGC 75 درصد اوراق بهادار ). با این حال، انتقاد به هر دو برنامه مربوط به دوره زمانی است که اوراق بهادار انتخاب می شود که باید دوره بدهی های حق بازنشستگی با زمان اوراق بهادار مشابه با ان انطباق داشته باشد. یک مساله دیگری که به ذهن می آید آن است که این استراژی سرمایه گذاری اطمینان می دهد که تخصیص دارایی از بودجه بیمه ای خیلی هم مرتبط با برنامه های بیمه ای نیست.

از سوی دیگر، کاهش کسری حق بازنشستگی باید با افزایش سهم بوجود آید. در ایرلند ، مرسر (2008) گزارش داده است که متوسط سطح مشارکت کارکنان از 16.8 درصد به 18 درصد در سالهای 2006 تا 2008 رسیده است. در حالیکه این امر به نظر خوب می آید، موجب کسری های زیاد در حق بازنشستگی سالهای اخیر شده است.

1. استفاده از قیمت گذاری مبتنی بر ریسک

حق بیمه باید با توجه به سطح کسری بودجه تعیین شود. سطوح بالاتر از کسری بودکه باید منطبق با سطح بالاتری از حق بیمه ها باشند راهی است که در ان امکان خطرات اخلاقی و یا انتخاب معکوس وجود دارد. هدف قیمت گذاری مبتنی بر ریسک پرداخت هزینه های حق بیمه با توجه به ارزش فعلی مطالعات حق بازنشستگی است. ضرورتا این امر قیمت گذاری مبتنی بر ریسکی را ایجاد می کند که مرتبط با برنامه های حق بازنشستگی است. این امر همچنین منعکس کننده احتمالی است که حامی شرکت بدلیل ورشکستگی یا عدم پرداخت دیون دچار کسری شود و نیز نشان دهنده ریسک ترازنامه حق بازنشستگی است که نمی تواند دارایی ها و بدهی را توازن دهد. این امر باید هر دو الزام کوتاه و بلند مدت را با توجه به نوسانات طولانی برنامه های بازنشستگی پوشش دهد، اگر حق بیمه بازنشستگی کافی تعیین نشده باشد. انحرافات از اهداف کوتاه مدت ممکن است موجب شرایط استثنایی شوند.

انتقاد به سایر برنامه ها معمولا متمرکز بر حق بیمه های غیر کافی است. در اینجا به طور کلی دو راه وجود دارد که در آن حق بیمه ها می توانند پرداخت شوند: مرتبط با سطح کسری بودجه و مرتبط با سطح بدهی های حق بازنشستگی . برنامه هایی که از سطح کسری بودجه تبعیت می کنند برنامه هایی چون بودجه تضمین مزایای حق بازنشستگی (PBGC ) کانادا، شرکت سهامی تضمین مزایای حق بازنشستگی، (PBGC ) در آمریکا و PPF در انگلیس است. برنامه هایی که قیمت گذاری حق بازنشستگی را بر اساس سطح بدهی ها تعیین می کنند همانند برنامه های sicherheitsfonds BVG در سوییس و Forsakringsbolaget Pensionsgaranti در سوئد و Pensions-Sicherungs-Verein در المان است. همه این برنامه ها نیازمند حق بیمه های اضافی است که مبتنی بر برخی نتایج ریسک است. برای مثال، برنامه سوئدی نیازمند تضمین اضافی است، اگر احتمال بالایی برای عدم پرداخت دیون شرکت وجود داشته باشد. در ضمیمه 2 ، ما دو برنامه را به جزییات بیان می کنیم. PBGC و PPF.

بسیاری از ویژگی های این برنامه همانند هم است. ضروری است تا قیمت گذاری حق بیمه بر اساس ریسک انجام شود چون این امر تعیین کننده پتانسیل وجود و موفقیت برنامه های حق بیمه است. ادبیات گسترده ای در چهارچوب های ارزشگذاری ارائه شده است که از قیمت گذاری حق بازنشستگی برای برنامه ها استفاده می شود. این چهارچوب های ارزشگذاری پیچیده هستند. اساسا ادبیات از چهارچوب های قیمت گذاری گزینه ها استفاده می کند تا تکنیک های مطالبات احتمالی را برای بیمه حق بازنشستگی ارزشی بکار گیرد. (مراجعه به Sharpe (1976), Treynor (1977), Langetieg, Findlay and da Motta (1982), Marcus (1987),

Lewis and Pennacchi (1999a,b) and Blake, Cotter and Dowd (2011)) . اکثر این مطالعات بر PBGC از ایالات متحده تکیه دارند، اگرچه Blake et al, Cotter and Dowd (2011) قیمت گذاری PPF را آزمون می کنند. برای مثال این چهارچوب نشان می دهد که PBGC به عنوان اقدامی عمل می کند که به برنامه های عدم پرداخت دیون امکان می دهد تا با ارزشهایی جایگزین شود که کاهش حق بازنشستگی را پوشش می دهد. بخصوص، این برنامه ها به دارندگان گزینه های Margrabe می دهد که دارایی را بدست آورند و جایگزین بدهی های حق بازنشستگی کرده و کسری بودجه حق بازنشستگی را کاهش دهد.

ادبیات روی حق بیمه ریسک پیشنهاد می کنند که کسری بودجه سیستماتیکی وجود دارد. برای مثال واندرهی (1990) بیان می کند که حق بیمه هایی که توسط PBGC گرفته می شده به طور معنی داری سطح واقعی ریسکی را در بر می گرفته است که توسط PBGC فرض شده است، علارغم این حقیقت که حق بیمه اصلی که PBCG اعلام کرده بود، 30 fold بالا رفته بود. وی به این نتیجه می رسد که PBGC به طور میانگین دارای کسری بودجه بوده است (با عامل 4.5 )، ولی همچنین شرکت های از سطح ضعیف تا قوی یارانه های متقاطع چشمگیری دریافت می کردند که موجب بدتر شدن مساله انتخاب معکوس می شد.هیش ، چن و فری (1994) به این نتیجه رسیدند که هزینه های PBGC بیش از بودجه ای بوده است که برای برنامه حق بازنشستگی کنار گذاشته دشه است ولی بازهم دچار کسری بودجه شده است. Blake, Cotter and Dowd (2010) به این نتیجه رسیده اند که کسری بودجه در PPF در انگلستان بسیار عادی است و اینکه برنامه ها با کسری بودجه روبرو شود تقریبا امری رایج است.

1. استفاده از بودجه بندی استاندارد

خطرات اخلاقی می تواند با معرفی الزامات بودجه بندی سخت گیرانه کاهش یابد. انها همچنین محدودیتهایی روی مطالبات بالقوه بوجود می آورند. طیفی وجود دارد که می تواند دنبال شود. برای مثال دولت هلند، اجازه کسری بودجه را نمی دهد و این امر ریسک های مرتبط با نرخ گذاری[[47]](#footnote-48) را کم می کند. بعلاوه برنامه های حق بازنشستگی باید همه مسائل همانند ریسک های سرمایه گذاری را پوشش دهد. آنها استانه حداقلی از 105 درصد بودجه را تعیین می کنند و اگر اقدام اصلاحی نیاز باشد، ان را انجام می دهند. با این حال، احتمال ندارد که این سطوح از بودجه بندی بتواند در ایرلند پیاده سازی شود، بخصوص در محیط فعلی که گزارش های کسری و عدم توانایی شرکت ها برای پرداخت سهم های افزایش یافته از هر طرف به گوش می رسد. قوانین ساده تری همچون هدف بودجه بندی 90 درصدی می تواند در یک بازه زمانی 5 ساله ارزیابی شود و هدف، افزایش اهداف بودجه بندی در این بازه است. با این وجود، قواعد بودجه بندی باید ثابت باشند و اگر این الزامات برآورده نشوند، نیاز به اقدامات سریعی است.

1. ارائه قدرت های کافی و مستقل برای بدنه سرپرستی

ریسک های سیاسی فقط زمانی کاهش می یابند که بدنه سرپرستی، مسوول مدیریت برنامه های دولتی می شوند که مستقل است و قدرت کافی دارد. این امر بسیار دشوار است تا سیاستی را اتخاذ کرد که محرک این برنامه ها باشد . مستقل بودن اطمینان می دهد که مداخلات سیاسی همچون تلاش یک شرکت برای فعالیت به نفع یک قانون برای کاهش حق بیمه، درحداقل نگه داشته می شود. نیروهای کافی همچنین مهم است تا از حرکت پیوسته برنامه های ضمانتی اطمینان حاصل کرد. برنامه هایی با کسری بیشتر باید به دقت مورد بررسی و نظارت قرار گیرند. بدنه سرپرستی باید اطمینان حاصل کند که حامیان شرکتی از برنامه های بدون بودجه ، همچنان حق بیمه ها را می پردازند و سهم بیشتری در کاهش کسری ها دارند. انها باید قادر باشند تا اطلاعات ضروری را جمع آوری کنند تا اطمینان حاصل کنند که سطح درستی از کسری ها را شناسایی کرده و قدرت کافی برای تحمیل اقدامات اصلاحی دارند. یادآوری می شود که این زیرساختار ممکن است در عمل به سختی پیاده شود.

1. قراردادن حق تصرف[[48]](#footnote-49) در دارایی های حامیان

اگر کسری حق بازنشستگی اتفاق بیافتد و شرکت بتواند این ساختارهای مالی شرکت ها را جدا کند در کل هیچ مشوقی برای حذف این کسری ها وجود نخواهد داشت. با این حال، اگر ترازنامه حق بازنشستگی و ترازنامه حامیان بهم مرتبط باشند، رفتار های حامیان و نحوه مدیریت دارایی و بدهی های حق بازنشستگی شان تغییر می کند. مثال هایی از اینکه چه جایی مطالبات شرکت ها مطرح می شود ، PBGF کاناداست که حق تصرفی روی دارایی های حامیان برنامه داشت. همچنین در سوئد، برنامه Forsakringsbolaget Pensionsgaranti نیازمند همراهی حامیان شرکت هاست آنهم زمانی که ریسک عدم پرداخت دیون بالا باشد. در مقابل معرفی PPF در انگلستان دیدگاهی را در بر نمی گیرد که در آن شرکت ها وقتی وارد ضمانتهای دولتی می شوند، هم کسری بودجه دارند و هم در پرداخت دیون با دیرکرد روبرو می شوند.

**نتیجه گیری**

تمرکز این مقاله بر برنامه های حق بازنشستگی مزایای تعریف شده ایرلند بود. با پیروی از استراتژی های تخصیص نامناسب دارایی برای دارایی های حق بازنشستگی و تاکید بر بدهی های حق بازنشستگی افزایش یافته در بلند مدت، ما سطح بالایی از کسری بودجه را گزارش دادیم. این سطح از کسری بودکه منجر به وعده هایی در برنامه های حق بازنشستگی می شود که به طور کامل برآورده نمی شود و یا در موارد وخیم تر ، اصلا برآورده نمی شود.

بعنوان یک راهکار بالقوه ، ما به طور انتقادی نقش برنامه های بیمه با پشتوانه دولتی را بررسی کردیم. مباحث به گونه ای جلو رفت که برخی دفاعیات در خصوص طراحی ضعیف یا ناقص قراردادهای حق بازنشستگی و فقدان تنوع مرتبط با برنامه های مزایای تعریف شده بیان شد. با این حال، انها با برخی ریسک ها روبرو بودند که می تواند پیامدهای معرفی این برنامه ها را افزایش دهد. این ریسک ها شامل انتخاب معکوس، خطرات اخلاقی، ریسک سیستماتیک و ریسک سیاسی بود. با این حال، این ریسک ها می تواند کم شود. با توجه به تجربیات برنامه های بیمه با پشتوانه دولتی بین المللی ما درسهایی را بیان کردیم که دولت ایرلند برای معرفی چنین اقداماتی باید در نظر داشته باشد.

ما یادآوری کردیم که پتانسیل خطرات اخلاقی در هر برنامه بیمه حق بازنشستگی ایرلندی که ارائه می شد، بدلیل سرمایه گذاری در دارایی ها با ریسک سرمایه گذاری بالایی چون اوراق بهادار، بالاست. در حوزه بین المللی، این پتانسیل برای ایرلند وجود دارد تا حرکت هایی انجام دهند که کسری بودجه روی برنامه های حق بازنشستگی مزایای تعریف شده را کاهش دهد. دولت همچنین باید به دقت بررسی کند که آنها چگونه در برابر انتخاب معکوس قرار می گیرند، در جاییکه حامیان برنامه های قوی، از دادن یارانه ها به برنامه های ضعیف اجتناب می کنند و تلاش می شود تا در نهایت از مکانیزم های بیمه ای استفاده شود. استفاده از قیمت گذاری حق بیمه بر اساس ریسک در اینجا ضروری است و این امر باید بدون مداخلات سیاسی انجام گیرد.

1. Underfunding defined benefit (DB) pension schemes [↑](#footnote-ref-2)
2. deficit [↑](#footnote-ref-3)
3. claims and insolvencies [↑](#footnote-ref-4)
4. یک نمونه اصلی در ایرلند Waterford Wedgewood است. در اینجا کارکنانی وجود دارد که در ایرلند و انگلیس کار می کنند. انهایی که در انگلیس کار می کنند ، طرح بیمه حق بازنشستگی دارند در حالیکه در ایرلند چنین حقوقی ندارد. درادامه این مقاله جزییاتی ارائه می دهد و انتقادی به طرح های مختلفی دارد که به طور بین المللی وجود دارد [↑](#footnote-ref-5)
5. Liabilities [↑](#footnote-ref-6)
6. Asset [↑](#footnote-ref-7)
7. equity [↑](#footnote-ref-8)
8. longevity [↑](#footnote-ref-9)
9. demographic [↑](#footnote-ref-10)
10. در چهارچوب حق بازنشستگی ملی (دولت ایرلند) مجموعه ای از تغییرات برای طرح های مزایای تعریف شده مورد تاکید قرار می گیرد. در کل آنها پیشنهاد دادند که این طرح ها ممکن است به طور داوطلبانه در آینده بکار گرفته شوند. [↑](#footnote-ref-11)
11. Reverse selection [↑](#footnote-ref-12)
12. UN pension benefit guarantee corporate [↑](#footnote-ref-13)
13. UK pension support fund [↑](#footnote-ref-14)
14. allocation [↑](#footnote-ref-15)
15. Premium [↑](#footnote-ref-16)
16. lien [↑](#footnote-ref-17)
17. Levy [↑](#footnote-ref-18)
18. Funding [↑](#footnote-ref-19)
19. Equity [↑](#footnote-ref-20)
20. Mercer [↑](#footnote-ref-21)
21. defined contribution counterparts [↑](#footnote-ref-22)
22. defined contribution schemes [↑](#footnote-ref-23)
23. equity markets [↑](#footnote-ref-24)
24. National Pension Reserve Fund [↑](#footnote-ref-25)
25. Central Statistics Office [↑](#footnote-ref-26)
26. population time bomb [↑](#footnote-ref-27)
27. Irish Pensions Board [↑](#footnote-ref-28)
28. perceived safe assets of fixed income securities [↑](#footnote-ref-29)
29. volatility [↑](#footnote-ref-30)
30. Government guarantee insurance [↑](#footnote-ref-31)
31. insovelent [↑](#footnote-ref-32)
32. myopia [↑](#footnote-ref-33)
33. ادبیات فعلی روی سواد مالی مرتبط با قراردادهایی هستند که در طول بحران های مالی بسته شده اند و مثال بارزی از فقدان اطلاعات توسط طرفینی هستند که موجب تصمیم گیری غیربهینه می شوند [↑](#footnote-ref-34)
34. در واقعیت برای کارکنان معمول است که در خلاف اصول تنوع حرکت کنند و روی رفاه و صرفه جویی در شرکت سرمایه گذاری کنند تا گزینه های سهام و سرمایه گذاری های بهتری داشته باشند. به طور خاص کمتر احتمال دارد که کارکنان پورتفولیویی سرمایه گذاری به اندازه کافی داشته و یا سرمایه گذاری کافی برای پوشش دادن ریسک های دارایی های حق بازنشستگی شان تخصص دهند. [↑](#footnote-ref-35)
35. insolvencies [↑](#footnote-ref-36)
36. Government sponsored insurance schemes [↑](#footnote-ref-37)
37. Government backed schemes [↑](#footnote-ref-38)
38. قراردادهایی با این بیمه تجاری در جاییکه بیشترین کاری که انجام می شود تلاش برای شناسایی مشتریان بالقوه ای است که سودآوری بالایی از مطالبات داشته باشند و در نهایت انها را بیمه نکنند. [↑](#footnote-ref-39)
39. cross-subsidies [↑](#footnote-ref-40)
40. مثالی از این مورد در انگلیس است در جاییکه محدودیتی روی توانایی شرکت وجود دارد تا روی طرح های مزایای تعریف شده سرمایه گذاری کند. در 11 ژوئن 2003 ، دولت انگلیس بیان کرده که شرکت های قادر به پرداخت دیون نمی توانند از تعهدات DB پس از زمان مقرر امتناع کنند و باید تعهداتشان در خصوص درامد فعلی و اتی شان را به طور کامل در قبال شرکت بیمه انجام دهند [↑](#footnote-ref-41)
41. اگر طرح بیمه دولتی وجود داشته باشد باید از استراتژی تخصیص سرمایه گذاری استفاده کرد. همچنین باید از سیاست های ریسکی برای شرکت هایی که نمی توانند دیون خود را پرداخت کنند اجتناب کرد چون طرح های با کسری بودجه نمی تواند به کاهش سطح کسری بودجه کمک کند. [↑](#footnote-ref-42)
42. Sponsor [↑](#footnote-ref-43)
43. levy [↑](#footnote-ref-44)
44. mature [↑](#footnote-ref-45)
45. Pension Benefit Guaranty Corporation [↑](#footnote-ref-46)
46. Bond [↑](#footnote-ref-47)
47. Levy [↑](#footnote-ref-48)
48. lien [↑](#footnote-ref-49)